



## هر روز «نوروز هنر ایران»

پژوهشگر - سید محمود افتخاری

خلاقیت به مشام می‌رسید. این ویژگی سبب شده که حتی در دوران اخیر نیز مرزبندی قاطع میان هنرهای ملی و صنایع دستی به وجود نیاید. به سخنی دیگر شاید بهتر است بگوییم هنرهای ملی و صنایع دستی ایرانی دو روی یک سکه‌ی زرین هستند این سکه در کارگاهی به وسعت ایران زمین و با ابزاری چون عشق، اندیشه، ایمان، خلاقیت، ابتکار، مهارت، بردباری، ضرب شده است.<sup>۲</sup> بنابراین تشخیص و تمیزکار هنری دو روی سکه، چندان آسان نیست.

به راستی چگونه می‌توان بین یک فرش دستباف زن روستایی و عشایری با رنگ‌بندی دل‌انگیز و آن همه نقش و نگارهای زیبا و ریشه‌دار در فرهنگ عامه‌ی دهکده‌ای دورافتاده، با سفالینه‌ای منقوش و لعاب‌دار نفیس و دیدنی یا مینیاتوری سحرانگیز و ارزشمند حاصل کار بزرگ‌ترین نگارگران عهد صفوی تفاوتی اساسی قائل بود؟ مگر آن دست بافته‌ی زن قشقایی تصویری از احساس عشق و درد، رنج و هجران و غم و شادی او نیست که در تار و پود بوم فرش یا گبه‌ای نمایان شده است؟ هم‌ی آن آثار بیان‌کننده شور و عشق زندگی هستند.

به نظر می‌رسد آنچه در این میانه باید با ژرفنگری بررسی شود تناسب و ارتباط موجود میان هنر است. هنرشناس امروز باید در جست‌وجوی روح یگانگی و وحدت میان انواع هنرها باشد تا بتواند به بنیان فلسفه‌ی هنر دست یابد. کار پژوهشگر امروز ما کشف رازهای ناگفته‌ی هنر ایران با نگاه به تاریخ اجتماعی هنر این سرزمین است. چیزی که تاکنون کمتر به آن توجه شده است. کارشناسان اعتقاد دارند که هنرشناسان باید به کشف وجوه مشترک آفرینش‌ها و فصل مشترک چشم‌اندازهای آثار هنری و صنایع دستی بپردازند. چشم‌اندازهای حیرت‌انگیزی که خیال‌پردازی ناب و عارفانه‌اش یکی از عناصر مشترک هنر ما تلقی می‌شود.

از میان هنرهای ملی ایران، نقاشی یا نگارگری دنیایی ویژه دارد. جهانی است پر از تمثیل و استعاره و زیبایی. لطافت شعر را دارد و ظرافت خیال را. یک دنیا رمز و راز است. بهشتی است رویایی. به عبارت بهتر نگارگری، «شعر» هنرهای اصیل ایرانی است. ترکیب دلنشینی از عشق، خیال، شور و شیدایی است. نگارگری ایرانی (مینیاتور) از ظرفیت‌های ویژه شعری برخوردار است. به همین سبب ارتباطی گسترده و تنگاتنگ میان ادبیات کلاسیک و نگارگری ایران در دوره‌های تاریخی ایجاد شده است. در نگارگری ایران، هنروران ما با شور و اشتیاقی شگفت‌انگیز و با قدرت تخیل و مهارتی چشم‌گیر، بر صفحه‌های کاغذ بی‌روح، جلوه‌ای از زندگی عارفانه را مجسم می‌کنند. با چنین طراوتی که از بهار دل‌انگیز باغ‌های هنر ایران برمی‌خیزد، چندان بی‌مناسبت نیست اگر هر روز را «نوروز هنر ایران» بنامیم.

درک مقام و منزلت هنر ایران در گستره وسیع تاریخ هنر جهان همواره یادآور ارزش‌های ناب و گرانقدر و اصالت‌های کهن ملی و معنوی مردم این دیار است. بر اساس یافته‌های باستان‌شناسی و پژوهش‌های تاریخ هنر که در قرن اخیر به دست پژوهشگران و هنرشناسان غربی انجام گرفته همه‌ی هنرپژوهان و کارشناسان فرهیخته و صاحب‌نظر جهان بر این باورند که ایرانیان در طی حدود هفت هزار سال تاریخ تمدن و فرهنگ شاهکاری‌های فرهنگی - هنری و مادی و معنوی فراوانی به جامعه‌ی جهانی تقدیم کرده‌اند. ایرانیان سهم عمده و تعیین‌کننده‌ای در رشد و شکوفائی تمدن و فرهنگ منطقه و جهان برعهده داشته‌اند.

**پروفیسور آرتور اپهارم پوپ** هنرشناس شهیر آمریکایی در این زمینه می‌نویسد:

«هنر ایران یکی از مهم‌ترین پدیده‌های تاریخی است. هنرگویی اساسی‌ترین و مشخص‌ترین مشغله‌ی مردم ایران زمین بوده است و گزارشی بیانگر زندگی ایشان و ارزشمندترین سهام‌گذاری ایشان در تمدن جهان. تاریخ هنر مردم ایران بر بسیاری از مسائل فرهنگ بشر روشنی می‌بخشد. هنر این عنصر اصلی تمدن ایران - نخستین تمدن جهان - که بیش از شش هزار سال پیش در فلات ایران پدیدار شد و در همه‌ی اعصار نقشی حیاتی را برعهده گرفت، .... این عنصر که از نخستین ایام به مراحل عالی رسید شاهکارهای بی‌شماری را در رشته‌های مختلف عرضه کرده است. شاهکارهایی که با وجود تنوع از نظر پویایی سبک وحدتی (واحدی) دارد.»

**نگارنده** این متن معتقد است که ایرانیان به تنهایی هم‌سنگ و معادل تمام ملل دیگر دنیا در طراحی، نقش‌پردازی، آفرینش‌های هنری کسب کرده و مهارت داشته‌اند. شگفت آن‌که وجوه تزئینی و زیبایی‌شناسی در هنرهای ما چون شور و عشقی بی‌پایان در تمامی مسیر تاریخ هنر و در عرصه‌های گوناگون هنر ایران آشکار و متجلی شده است.

از سفالینه‌های کهن خوش نقش و نگار و ظریف گرفته تا کاشی‌های زرین‌فام و لاجوردین قرن هفتم و هشتم، از فرش‌های زربفت و رنگارنگ عصر صفوی تا نگاره‌ها و تذهیب‌های خیال‌انگیز و... هر آنچه سرانگشتان هنرآفرین هنرمندان ایرانی ساخته و پرداخته‌اند، همه و همه سرشار از زیبایی و لطافت و لبریز از روح زندگی و معنویت است.

**ایرانیان** حتی در تولید صنایع دستی خود همان انگیزه‌های ناب و ارزنده هنری را چاشنی دست ساخته‌های خود کرده‌اند تا آن‌جا که به قول پوپ «.... برای ساختن این‌ها همان‌قدر نیرو و شور به کار بردند که برای آن دسته از هنرها که اصلی نامیده می‌شوند. خلاصه این‌که هر جا چیزی یافت می‌شد که می‌توانست زیبا شود و یا رنگی بود که به کار گرفته شود و یا شیئی بود که می‌توانست نقش‌پذیرد، ایرانیان تخیل و ذوق خود را در آن به کار می‌گرفتند.»

به باور بسیاری از کارشناسان، تا یک قرن گذشته نیز از تمام هنرهای دستی مردم ما (بدون هیچ تفکیکی میان هنر ناب یا «اصلی» صنایع فرعی و دستی به گفته‌ی پوپ) رنگ و بوی عشق به هنرآفرینی و

۱- آرتور پوپ، مقاله‌ی «مقام هنر ایرانی» نشریه‌ی فرهنگ و زندگی شماره ۵ و ۴ ص ۲۳ اردیبهشت سال ۱۳۵۰، نشریه‌ی دبیرخانه‌ی شورای عالی فرهنگ و هنر.

۲- همان اثر پیشین.